

"مخارج دولت و منابع تامین مالی آن از منظر رشد حقیقی اقتصاد ایران در دوره زمانی (۱۳۸۶-۱۳۳۸)"

سید کمیل طیبی

استادیار دانشکده امور اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان

مرتضی سامتی

دانشیار دانشکده امور اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان

سمیه حیدری

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه اصفهان

چکیده:

دراقتصاد کلان همواره بخش دولتی دارای نقش و جایگاه با اهمیتی است. زیرا فعالیتهای دولت معمولاً دارای آثار و اهداف اجتماعی است، بعلاوه فعالیت های دولت، بخش خصوصی جامعه را متاثر می کند و مطالعه جنبه های اقتصاد کلان آن فعالیت ها از اهمیتی دو چندان برخوردار است. در حال حاضر در اقتصادی مثل اقتصاد ایران سهم بخش عمومی و دولتی بالا است و دولت نقش تعیین کننده ای در مسیر رشد اقتصادی برعهده دارد.

هدف این مطالعه این است که بررسی کند نرخ رشد مخارج دولت به تفکیک جاری و عمرانی چه تاثیری می تواند بر رشد حقیقی اقتصاد ایران داشته باشد، در این راستا تاثیرات نرخ رشد درآمدهای دولت بر رشد حقیقی اقتصاد نیز مدنظر قرار می گیرد. باتوجه به اینکه کشور دارای یک اقتصاد نفتی است، این فرضیه نیز آزمون می شود که آیا نرخ رشد درآمدهای نفتی تاثیری بر رشد حقیقی اقتصاد ایران دارد؟ این مطالعه همچنین در پی پاسخ به این سوال است که آیا به طور همزمان رشد اقتصادی نرخ رشد درآمدهای دولت را تحت تاثیر قرار خواهد داد یا خیر؟

در این تحقیق، کشور ایران به عنوان یک مورد مطالعه ای در دوره 1386-1338 و با بهره گیری ازسیستم معادلات همزمان مورد بررسی قرار می گیرد که با توجه به مباحث تئوریک مطرح شده از روش حداقل مربعات دو مرحله ای جهت برآورد معادلات استفاده می شود. چهار معادله فرم نهایی مدل را تشکیل می دهند که عبارتند از: نرخ تورم، نرخ رشد واقعی اقتصادی، نرخ رشد واقعی درآمدهای دولت و نرخ رشد واقعی سرمایه گذاری. ابزار جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و اسنادی است و جهت انجام مراحل مختلف بویژه پردازش داده ها، اندازه گیری و برآورد مدل از نرم افزارهای *Eviews, Stata, Excel* استفاده می شود. نتایج این مطالعه نشان می دهد که نرخ رشد واقعی مخارج جاری دولت دارای تاثیر مثبت و معناداری بر نرخ رشدحقیقی اقتصاد بوده است و نرخ رشد حقیقی اقتصاد نیز دارای تاثیر مثبت و معناداری بر نرخ رشد واقعی درآمدهای دولت است اما نرخ رشد واقعی مخارج عمرانی و نرخ رشد واقعی درآمدهای نفتی بر نرخ رشد حقیقی اقتصادی دارای تاثیر نبوده است. با توجه به نتایج به دست آمده دولت با کاهش فعالیت های عمرانی و توجه بیشتر به فعالیت های نظیر گسترش سرمایه انسانی، حمایت از صادرات غیر نفتی و هدفمندکردن یارانه ها می تواند نقش موثری در راستای رشد اقتصادی ایفا نماید.

واژه های کلیدی: روش حداقل مربعات دومرحله ای، مخارج دولت، رشدحقیقی اقتصادی، بودجه، سیستم معادلات همزمان، درآمد دولت.

1- مقدمه

دراقتصاد کلان همواره بخش دولتی دارای نقش و جایگاه با اهمیتی است. زیرا فعالیتهای دولت معمولاً دارای آثار و اهداف اجتماعی است، بعلاوه فعالیت های دولت، بخش خصوصی جامعه را متاثر می کند لذا مطالعه جنبه های اقتصاد کلان آن فعالیتها را از اهمیتی دو چندان برخوردار است.

حفظ امنیت کشور، اداره روابط خارجی و بین المللی، حفظ حقوق مردم و اجرای عدالت، تامین خدمات اجتماعی و خدمات اقتصادی از جمله وظایفی است که دولتها انجام می دهند. این گونه نقش ها نیازمند صرف هزینه های مناسب با آنها است و دولت در این راستا از طرق مختلف کسب درآمد می کند، که موارد ذکر شده در قالب بودجه دولت مورد بحث قرار می گیرند. بودجه دولت به عنوان ابزاری جهت برقراری تعادل اقتصادی، نقش حساسی را بر عهده دارد، بودجه یک کشور نشان دهنده جایگاه دولت در اقتصاد و به عبارتی تعیین کننده حدود دخالت دولت در اقتصاد ملی جامعه است.

در رابطه با تاثیر فعالیت های دولت در اقتصاد دو دیدگاه کلی وجود دارد: یک دیدگاه این است که دخالت دولت در اقتصاد سبب کاهش کارایی و رشد اقتصادی می گردد اما دیدگاه دیگر بر این عقیده است که دولت در مسیر رشد و توسعه اقتصادی دارای نقش مهمی است.

در حال حاضر در اقتصادی مثل اقتصاد ایران سهم بخش عمومی و دولتی بالا است، دولت نقش تعیین کننده ای در مسیر رشد اقتصادی برعهده دارد. علاوه بر این منبع عمده درآمدهای دولتی از طریق صادرات حاصل از نفت حاصل می شود که این فعالیت های دولت ممکن است سودآور باشد یا موجب فعالیت های غیر مولد رانتهی شود به طوری که هزینه های دولت و روشهای تامین آن می تواند تاثیر قابل ملاحظه ای بر سطح فعالیت های اقتصادی، تسریع رشد اقتصادی و کمک به حفظ ثبات اقتصادی داشته باشد. براین اساس، این سوالات مطرح می شود که سطح مناسب مخارج دولتی چقدر است؟ و این سطح چگونه و تامین شود به نحوی که اقتصاد را در مسیر رشد قرار دهد؟

این مطالعه به دنبال این مطلب است که بررسی کند نرخ رشد مخارج دولت به تفکیک جاری و عمرانی چه تاثیری می تواند بر رشد حقیقی اقتصاد ایران داشته باشد، در این راستا تاثیرات نرخ رشد درآمدهای دولت بر رشد حقیقی اقتصاد نیز مدنظر قرار می گیرد. باتوجه به اینکه کشور دارای یک اقتصاد نفتی است، این فرضیه نیز آزمون می شود که آیا نرخ رشد درآمدهای نفتی تاثیری بر رشد حقیقی اقتصاد ایران تاثیر دارد؟ این مطالعه همچنین در پی پاسخ به این سوال است که آیا به طور همزمان رشد اقتصادی نرخ رشد درآمدهای دولت را تحت تاثیر قرار خواهد داد یا خیر؟

2- مروری بر مطالعات انجام شده

1-2- پیشینه خارجی

مارسدن¹ (۱۹۸۳) با استفاده از یک برش عرضی از ۲۰ کشور کمتر توسعه یافته و توسعه یافته در دوره زمانی (۱۹۷۰-۱۹۷۹) به این نتیجه رسید که بین نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی رابطه منفی وجود دارد و نیز نشان داد که تاثیر سرمایه گذاری دولت بر رشد اقتصادی مثبت است و یک رابطه معکوس بین مخارج دولتی و رشد اقتصادی وجود دارد. اسکینر^۲ (۱۹۸۷) نیز در یک برش عرضی برای ۳۱ کشور در دوره زمانی (۱۹۸۲-۱۹۶۵) نتیجه گرفت که بین نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد اقتصادی ارتباط منفی وجود دارد. وی همچنین با استقاده از داده های سری زمانی - برش عرضی نشان داد که سرمایه گذاری دولت روی رشد اثر مثبت دارد.

¹ - Marsden

² - Skinner

گروسمن^۳ (۱۹۸۸) با استفاده از داده های استرالیا در دوره (۱۹۴۹-۱۹۸۴) و بکارگیری الگوی معادلات همزمان نتیجه می گیرد که ارتباط میان پرداختهای انتقالی دولت و رشد اقتصادی مثبت و معنادار می باشد ولی رابطه منفی و معناداری بین رشد سهم مخارج دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی و مالیاتها با رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی وجود دارد.

بایرام^۴ (۱۹۹۰) با استفاده از داده های ۲۰ کشور آفریقایی طی دوره زمانی (۱۹۶۰-۱۹۸۵) در تحقیقی با عنوان اندازه دولت و رشد اقتصادی نتیجه می گیرد که در ۱۱ کشور مورد مطالعه، افزایش در مخارج دولتی باعث کاهش رشد اقتصادی می شود. اما در بقیه این تاثیر مثبت بوده و باعث تسریع در رشد اقتصادی این کشورها می گردد.

فورد و پورت^۵ (1991) با استفاده از داده های برش عرضی یک ارتباط ضعیف بین سرمایه گذاری عمومی و رشد اقتصادی پیدا کردند.

انجین واسکینر^۶ (1992) با استفاده از داده های ۱۰۷ کشور در طی دوره (۱۹۷۰-۱۹۸۵) نشان داد که نرخ تغییر در نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی با نرخ رشد اقتصادی ارتباط منفی دارند. اما ارتباط میان نسبت تغییرات مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی مثبت است.

لوین ورینلت^۷ (۱۹۹۲) در یک مطالعه برش عرضی از ۱۰۱ کشور در طول دوره (۱۹۶۰-۱۹۸۹) نشان دادند که، یک همبستگی مثبت و قوی بین رشد اقتصادی و سهم سرمایه گذاری دولت در تولید ناخالص داخلی وجود دارد. همچنین هیچ یک از متغیرهای تشکیل سرمایه دولت، مخارج آموزشی دولت و مخارج دفاعی دولت (هریک به صورت سهم در تولید ناخالص داخلی) با رشد اقتصادی ارتباط قوی ندارند. نسبت مالیات دریافتی شرکتها به تولید ناخالص داخلی، نسبت مالیات بر درآمد دریافتی به تولید ناخالص داخلی، نسبت مالیات بر صادرات دریافتی به صادرات، نسبت مالیات بر واردات دریافتی به واردات نیز هیچ گونه ارتباطی با نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه ندارند. قویترین نتیجه به دست آمده این بود که سرمایه گذاری در سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی نرخ رشد را افزایش می دهند.

ایستریلی و ریلو (۱۹۹۳) در یک مطالعه با استفاده از داده های ۵۳ کشور برای دوره زمانی (۱۹۷۰-۱۹۸۸) نشان دادند که، بین نرخ نهایی مالیات بر درآمد و نرخ رشد اقتصادی یک ارتباط منفی وجود دارد. نسبت سرمایه گذاری عمومی در حمل و نقل و ارتباطات به تولید ناخالص داخلی و مزاد بودجه دولت دارای ارتباط مثبت و معناداری با رشد اقتصادی هستند.

فیشر^۸ (۱۹۹۳) با استفاده از داده های برش عرضی در دوره زمانی (۱۹۶۱-۱۹۸۸) نشان داد که رشد اقتصادی با تورم و کسری بودجه زیاد، ارتباط منفی دارد.

کاراس^۹ (۱۹۹۶) در مقاله خود با در نظر گرفتن مدل ۱۹۹۰ بارو نتیجه می گیرد که: اگر تولید نهایی مخارج دولتی از طریق ارائه خدمات عمومی برابر واحد باشد، خدمات دولت به طور عمده مولد است. همچنین خدمات دولت در آفریقا بیشتر و در آسیا کمتر از میزان بهینه است و بهره وری نهایی مخارج دولت با اندازه دولت، رابطه معکوس دارد.

میلر و روسیک^{۱۰} (۱۹۹۷) در مطالعه ای به بررسی ارتباط بین ساختار مالی ایالت و دولت محلی آمریکا با رشد اقتصادی می پردازند. نتایج نشان می دهد که اگر مالیات بر درآمد شرکتها افزایش یابد و یا هزینه های تامین اجتماعی و پرداختهای انتقالی کاهش یابد، مزاد بودجه به دست آمده به رشد اقتصادی کمک می نماید. بنابراین مالیات بر درآمد شرکتها با رشد اقتصادی بیشتر سازگار است.

³ -Grossman

⁴ -Bairam

⁵ -Ford and Poret

⁶ -Engen and Skinner

⁷ -Levine and Renelt

⁸ - Fischer

⁹ -Karras

¹⁰ -Milier and Russek

نلر وهمکاران^{۱۱} (1998) به بررسی تاثیر سیاستهای مالی دولت بر رشد اقتصادی با استفاده از داده های کشورهای OECD برای دوره زمانی (1975-1995) پرداختند، آنها با استفاده از مدل بارو به این نتیجه رسیدند که هرچند مالیات های مقطوع بر رشد اقتصادی بی تاثیرند، اما مالیات در بلند مدت سبب کاهش رشد اقتصادی خواهد شد، از سویی مخارج مولد بخش دولتی افزایش رشد اقتصادی را در بر خواهد داشت. ولی مخارج غیر مولد اثری بر رشد ندارد.

موریسی و کویکا^{۱۲} (۲۰۰۰) در مقاله ای به تحقیق درباره اثر مخارج دولتی بر رشد اقتصادی با استفاده از داده های سریهای زمانی (۱۹۶۵-۱۹۹۶) تانزانیا بر اساس مدل ۱۹۹۰ بار پرداخته اند. نتایج حاصله نشان می دهد که مخارج غیرتولیدی، مخارج سرمایه گذاری دولتی و کل مخارج دولتی اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد اما میان صادرات، کمکهای خارجی، مخارج بر سرمایه انسانی و رشد اقتصادی یک رابطه مثبت وجود دارد.

گالی (2003) به بررسی رابطه مخارج و منابع تامین مالی مخارج دولتی و رشد اقتصادی در تونس می پردازد. وی با استفاده از یک الگوی تصحیح خطای برداری نتیجه می گیرد که رابطه مخارج دولتی و رشد اقتصادی، بستگی به منابع تامین مالی مخارج دولت دارد. به این ترتیب که اگر تامین مالی مخارج دولت از طریق استقراض صورت گیرد، رابطه مخارج دولتی و رشد اقتصادی منفی می باشد، اما اگر تامین مالی مخارج دولت از طریق مالیات صورت گیرد، رابطه مخارج دولتی و رشد اقتصادی مثبت می باشد. خمفولا^{۱۳} (2004) در مطالعه ای تحت عنوان "سیاستهای کلان اقتصادی، شوکها و رشد اقتصادی در آفریقای جنوبی" در دوره (1994-2004) به این نتیجه رسید که رشد اقتصادی دارای ارتباط مستقیم با تولیدات معدنی و ارتباط معکوس با مخارج دولت و مالیات می باشد.

2-2- پیشینه داخلی

جعفری صمیمی (1369) به بررسی چگونگی سهم و اهمیت منابع مختلف درآمدهای بخش عمومی و رابطه آن با رشد اقتصادی طی سالهای (1352-1367) می پردازد. نتایج به دست آمده نشان می دهد که منابع تامین کسری بودجه که مهمترین آن استقراض از بانک مرکزی می باشد توانسته در افزایش تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری نقش مهمی ایفا نماید. اما باید توجه داشت که استقراض از بانک مرکزی فقط از طریق تشدید فشارهای تورمی در افزایش رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری تاثیرگذار بوده است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که قدرت جمع آوری و اهمیت مالیاتها در تامین مالی مخارج دولت و منابع داخلی برای تامین رشد اقتصادی بسیار ناچیز می باشد.

سامتی (۱۳۷۲) به بررسی اندازه دولت و ارتباط آن با رشد اقتصادی می پردازد. نتایج مطالعه وی نشان می دهد که در مجموع اندازه فعالیتهای دولت نامتناسب است و اندازه دولت از نظر بهره وری عوامل و اثرگذاری بر رشد اقتصادی، نامتناسب است. وی همچنین نتیجه می گیرد که در امور اقتصادی بودجه دولت، اندازه جاری و عمرانی، دارای اثر مثبت بر رشد اقتصادی و امور عمومی دارای اثر منفی است. درحالی که در امور اجتماعی اندازه عمرانی، دارای اثر مثبت و اندازه جاری دارای اثر منفی بر رشد اقتصادی است. زو اشکیانی (1374) نشان می دهد که درآمدهای مالیاتی و درآمدهای نفت و گاز اثر منفی بر رشد دارند. مخارج مصرفی دولت شامل مخارج مربوط به تامین اجتماعی، مخارج مربوط به امور دفاعی، مصرفی دولت به استثنای دفاع و آموزش و سرمایه گذاری دولت اثر منفی بر رشد می گذارند، مخارج عمرانی دولت در فصل های کشاورزی، مسکن، حمل و نقل، ارتباطات و صنعت و معدن اثر منفی و مخارج عمرانی دولت در آموزش و بهداشت اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارند. همچنین نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی موجب کاهش رشد اقتصادی می شود.

¹¹ -kneller, et. al

¹² - Kweka and Morrissey

عمید (1376) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود نتیجه می‌گیرد که: اثر درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی مثبت است، درآمدهای مالیاتی اثر معناداری بر رشد ندارند ولی استقراض از بانک مرکزی و کسر بودجه عاملی با معنی و منفی بر رشد اقتصادی می‌باشد. کل هزینه‌های دولت دارای آثار مثبت بر رشد اقتصادی است. در این بررسی اثر هزینه‌های جاری دولت در امور مربوط به توسعه انسانی بر رشد اقتصادی مثبت برآورد شده است ولی اثر دیگر هزینه‌های جاری بر رشد اقتصادی منفی است.

منظور (۱۳۷۹) در تحلیلی اثرات مخارج مصرفی دولت و مالیاتها را در ایران در قالب الگوی رشد درونزا مورد بررسی قرار داده است. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که نسبت پرداختهای دولت به تولید ناخالص داخلی و نیز نسبت مخارج سرمایه‌گذاری دولت به تولید ناخالص داخلی، اثر مثبت بر رشد اقتصادی داشته و نسبت مالیاتهای جاری بر تولید ناخالص داخلی نیز تاثیر مثبت و معنی داری بر نرخ رشد تولید سرانه واقعی غیر نفتی دارد.

پروین وقلی بگلو (۱۳۸۱) به بررسی تاثیر روشهای تامین مالی مخارج دولت بر متغیرهای کلان اقتصادی در ایران با استفاده از یک مدل سیستم معادلات همزمان، از طریق شبیه سازی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که مخارج عمرانی دولت با سرمایه گذاری بخش خصوصی، رابطه مکملی دارد. بر پایه یافته‌های این تحقیق، هیچ یک از روشهای تامین مالی مخارج دولت قادر نیست وضعیت مناسبی را در تمام متغیرهای هدف به طور همزمان ایجاد نماید، اما زمانی که کاهش در نوسان متغیرهای هدف اهمیت بیشتری داشته باشد، تامین مخارج از طریق افزایش مالیاتها مفید خواهد بود.

پیرائی و پور فرج (۱۳۸۳) در مطالعه ای اثر تغییر ساختار تامین مالی بودجه بر رشد اقتصادی در ایران را طی دوره (1380-1358) مورد بررسی قرار داده اند. نتایج نشان می‌دهد اثر اندازه جاری بر رشد منفی و اثر اندازه عمرانی بر رشد مثبت است. همچنین انتقال مازاد تراز واگذاری خالص دارایی برای تامین کسری هزینه جاری، مخارج عمرانی را جیره بندی کرده و اثر مثبت اندازه عمرانی بر رشد را کاهش می‌دهد.

ستاری فر (۱۳۸۳) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی تاثیر مخارج دولت و مالیاتها بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک در دوره زمانی (1998-1970) پرداخته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که: بالا ترین و پایین ترین سهم مخارج مصرفی دولت از تولید ناخالص داخلی در کشورهای عضو اوپک مربوط به عربستان و اندونزی است در حالی که بیشترین و کمترین سهم مالیاتها از درآمد ناخالص داخلی در کشورهای عضو اوپک به ترتیب مربوط به الجزایر و عربستان سعودی است ولی در این میان بیشترین و کمترین رشد اقتصادی مربوط به کشورهای اندونزی و ایران است. کارایی مالیاتها در مقایسه با سایر متغیرهای مدل مانند سرمایه فیزیکی، نیروی انسانی و قیمت نفت بر رشد اقتصادی کم اثرتر است.

سرپوش (1384) در مطالعه خود تحت عنوان " بررسی اندازه دولت در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه با استفاده از داده های 126 کشور در طی یک دوره 15 ساله نتیجه گرفت که هزینه های جاری دارای تاثیر بازدارنده بر رشد اقتصادی است. در کشورهای صادرکننده نفت، هزینه های سرمایه ای اثری مشابه دارد و رابطه بین اندازه دولت به درجه ی توسعه یافتگی کشوره نیز بستگی دارد.

زمان زاده (1385) با استفاده از اطلاعات سری زمانی طی سالهای (1382-1338) نتیجه می‌گیرد که سهم مخارج سرمایه گذاری بخش خصوصی، کل مخارج دولت، مخارج سرمایه گذاری دولت، کل درآمدهای دولت، درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت، سهم یارانه های پرداختی دولت به تولید کنندگان از GDP تاثیر مثبت و سهم هریک از یارانه های پرداختی دولت، یارانه های پرداختی دولت به مصرف کنندگان، مخارج مصرفی دولت، درآمدهای مالیاتی دولت از GDP و تورم تاثیر منفی بر رشد اقتصادی بلندمدت کشور داشته است.

شیرازی (۱۳۸۵) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی مخارج دولتی و منابع تامین مالی آن بر تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی در کوتاه مدت و بلند مدت در ایران طی دوره (1386-1342) در کشور ایران پرداخته است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که بین مخارج دولت و تولید ناخالص داخلی یک رابطه بلند مدت تعادلی وجود دارد. از طرفی تاثیر رشد مخارج دولتی در کوتاه

مدت مثبت و معنی دار می باشد. همچنین بین سهم مالیات، استقراض و درآمدهای نفتی در تامین مالی مخارج دولت و تولید ناخالص داخلی نیز یک رابطه تعادلی بلند مدت وجود دارد. این مطالعه همچنین نشان می دهد که تاثیر رشد سهم درآمدهای نفتی و مالیات در مخارج دولتی بر رشد اقتصادی در کوتاه مدت مثبت و معنادار می باشد. اما در مورد تاثیر رشد سهم استقراض در مخارج دولتی بر رشد اقتصادی در کوتاه مدت نمی توان اظهار نظر کرد.

شفیعی و همکاران (۱۳۸۵) در مقاله ای به بررسی تاثیر سیاستهای مالی دولت بر رشد اقتصادی ایران برای دوره زمانی (۱۳۸۲-۱۳۳۸) می پردازند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که در میان ابزارهای سیاست مالی دولت، مخارج عمرانی و مالیاتها به ترتیب دارای اثر مستقیم و معکوس معنا داری بر رشد اقتصادی هستند ولی مخارج جاری دارای اثر معنا داری بر رشد اقتصادی نمی باشد. گسگری و اقبالی (۱۳۸۶) به بررسی تاثیر مخارج دولت بر رشد اقتصادی ایران طی دوره زمانی (۱۳۵۲-۱۳۸۲) پرداختند. نتایج نشان می دهد که مخارج دولت چه به صورت مصرفی و چه به صورت سرمایه ای تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد. مخارج سرمایه ای می تواند تا دو سال رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار دهد در حالی که تاثیر مخارج مصرفی معطوف به همان سال است. از سوی دیگر، نسبت سرمایه گذاری بخش خصوصی به موجودی سرمایه نیز اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد و این اثر از تاثیر مخارج دولت بیشتر است.

3- تصریح مدل

مدل مورد استفاده در این رساله شامل یک سیستم معادلات همزمان است که قبل از معرفی این سیستم به بررسی معادلات به طور جداگانه پرداخته می شود تا با شناخت کامل متغیرها و ارتباط آنها و بیان مباحث تئوریک این روابط، در نهایت این معادلات در یک سیستم معادلات همزمان آورده شود.

3-1-1- معادله نرخ تورم

تورم به مفهوم افزایش در سطح عمومی قیمتها یا کاهش مستمر قدرت خرید، از جمله مهمترین مشکلات اقتصادی مردم و از عمده ترین چالش های پیش روی دولتها و سیاستگذاران اقتصادی بوده و هست از یک دیدگاه تورم به دلیل عوامل حاصل از فشار تقاضا و بالا بودن تقاضای کل جامعه در مقایسه عرضه کل ایجاد می شود و یکی از عوامل مهمی که سبب افزایش تقاضا می شود نقدینگی است. از دیگر متغیرهای مهم کلان اقتصادی که با تورم در تعامل است نرخ رشد واقعی اقتصادی است ما در این معادله تاثیر این متغیر را بر نرخ تورم آزمون خواهیم کرد.

نفت یکی از عمده ترین منابع تامین ارز کشور است افت و خیزهای قیمت نفت بر متغیرهای کلان اقتصادی همانند تورم تاثیر گذار است. قیمت نفت از دوجنبه ممکن است بر تورم تاثیرگذار باشد از یک طرف با توجه به اینکه قسمت عمده ای از درآمدهای دولت از طریق فروش نفت حاصل می شود، هنگامی که قیمت نفت افزایش می یابد کسری بودجه دولت کاهش می یابد، این مساله سبب کاهش استقراض دولت از بانک مرکزی می گردد که نتیجه آن کاهش تورم است ولی از سوی دیگر این افزایش قیمت نفت سبب افزایش درآمد کشور و افزایش نقدینگی خواهد شد و افزایش نقدینگی موجب افزایش تورم می گردد.

واحدهای اقتصادی انتظاراتشان را بر اساس تجربه گذشته شکل داده و از خطاهای گذشته درس خواهند گرفت. این جمله به معنی وارد نمودن انتظارات تطبیقی^{۱۴} در قضاوت افراد جامعه در رابطه با قیمتهای آینده است. در فرضیه انتظارات تطبیقی واحدهای اقتصادی در پیش بینی تغییرات سطح قیمتها خود را با خطاهای گذشته تطبیق خواهند داد لذا یکی دیگر از متغیرهای دیگری که

¹⁴ - Adaptive expectation

در این معادله تاثیر آن را بر تورم آزمون خواهیم کرد انتظارات تورمی است، تورم دوره قبل به عنوان تورم انتظاری در این معادله وارد شده است.

با توجه به مطالب فوق می توان معادله نرخ تورم را به صورت زیر نوشت:

$$\Delta \ln(cpi)_t = f(\Delta \ln(gdp)_t, \Delta \ln(oph)_t, \Delta \ln(m_2), \Delta \ln(cpi)_{t-1}) \quad (1)$$

که:

$\Delta \ln(cpi)_t$ تغییرات لگاریتم شاخص قیمت مصرف کننده در دوره جاری (نرخ تورم در دوره جاری)
 $\Delta \ln(gdp)_t$ تغییرات لگاریتم تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ (نرخ رشد واقعی اقتصاد)
 $\Delta \ln(oph)$ تغییرات لگاریتم قیمت نفت (نرخ رشد قیمت نفت)
 $\Delta \ln(m_2)$ تغییرات لگاریتم نقدینگی (نرخ رشد نقدینگی)

$\Delta \ln(cpi)_{t-1}$ تغییرات لگاریتم شاخص قیمت مصرف کننده در سال قبل (نرخ تورم در دوره قبل یا تورم انتظاری در دوره جاری)

3-1-2- معادله رشد واقعی اقتصادی

رشد اقتصادی یکی از اهدافی است که توسط اکثر کشورها دنبال می شود و در ادبیات اقتصادی از چندین دهه گذشته تا به حال مباحث رشد اقتصادی بخش قابل توجهی از مطالعات را در حوزه اقتصاد کلان به خود اختصاص داده است. وجود ارتباط بین تورم و رشد اقتصادی در کشورهای مختلف همواره یکی از موضوعات مورد بحث در بین اقتصاددانان بوده است و مباحث تئوریک و تجربی متفاوتی در این زمینه ارائه شده است. بررسی بسیاری از این مباحث نشان می دهد که نمی توان به یک نتیجه قطعی در مورد تاثیر تورم بر رشد اقتصادی دست یافت و این مساله در مورد هر کشور به شرایط و ویژگی های آن کشور بستگی دارد.

در رابطه با تاثیر فعالیت های دولت در اقتصاد دو دیدگاه کلی وجود دارد: یک دیدگاه این است که دخالت دولت در اقتصاد سبب کاهش کارایی و رشد اقتصادی می گردد اما دیدگاه دیگر بر این عقیده است که دولت در مسیر رشد و توسعه اقتصادی دارای نقش مهمی است.

نظریه های اقتصادی به این موضوع اشاره دارند که توسعه تجارت بین الملل، منجر به افزایش تخصص و کارایی در بخشهای صادراتی شده و در نهایت، باعث تخصیص مجدد منابع از بخشهای غیر تجاری و غیرکارا به بخشهای تجاری می گردد که این پدیده می تواند به رشد تولید ناخالص داخلی کمک نماید (راشدی و کریمی، 1380).

لذا یکی از متغیرهای که تاثیر آن را بر رشد حقیقی اقتصاد مورد آزمون قرار می دهیم نرخ رشد واقعی صادرات است. منبع اصلی درآمدهای ارزی در کشورهای صادر کننده نفت، درآمدهای حاصل از صادرات نفت می باشد. ایران نیز از جمله کشورهایی است که اتکای شدیدی به درآمدهای حاصل از صادرات نفت دارد.

وفور منابع طبیعی که در صادرات منابع طبیعی نمود می یابد، می تواند عامل افزایش صادرات و درآمدهای ارزی در اقتصادهای بهره مند از منابع طبیعی شود. بنابراین انتظار می رود، این کشورها از رشد اقتصادی بالایی برخوردار باشند، ولی در واقع چنین نیست! یک دلیل برای این مساله این است که رانت منابع طبیعی را در اختیار دارند، تمایل به هدر دادن رانت دارند (سلیمانی و یآوری، 1383).

نگاهی به تجربه کشورهای موفق در راه توسعه نشان می دهد که انباشت سرمایه و سرمایه گذاری یکی از ارکان اصلی پیشرفت اقتصادی آنها بوده است. در حقیقت، گسترش و استفاده بهینه از سرمایه گذاری، یکی از رموز موفقیت این کشورها تلقی می گردد؛

شکی نیست که بدون سرمایه گذاری نمی توان انتظار رشد در سطح کلان را داشت چون افزایش سرمایه گذاری می تواند منجر به افزایش ظرفیت اقتصادی کشور، کاهش واردات، افزایش ذخایر ارزی و حرکت سریع تر به سوی پیشرفت اقتصادی گردد. بنابراین می توان نوشت:

$$\Delta \ln(gdp)_t = f(\Delta \ln(cpi)_t, \Delta \ln(cgf)_t, \Delta \ln(igf)_t, \Delta \ln(i)_t, \Delta \ln(yof)_t, \Delta \ln(xf)_t) \quad (2)$$

که در آن:

$\Delta \ln(gdp)$ تغییرات لگاریتم تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ (نرخ رشد واقعی اقتصاد)
 $\Delta \ln(cpi)_t$ تغییرات لگاریتم شاخص قیمت مصرف کننده در دوره جاری (نرخ تورم در دوره جاری)
 $\Delta \ln(cgf)_t$ تغییرات لگاریتم مخارج جاری دولت به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶ (نرخ رشد واقعی مخارج جاری دولت)
 $\Delta \ln(igf)_t$ تغییرات لگاریتم مخارج عمرانی دولت به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶ (نرخ رشد واقعی مخارج عمرانی دولت)
 $\Delta \ln(i)_t$ تغییرات لگاریتم سرمایه گذاری به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶ (نرخ رشد واقعی سرمایه گذاری)
 $\Delta \ln(yof)$ تغییرات لگاریتم درآمدهای نفتی دولت به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶ (نرخ رشد واقعی درآمدهای نفتی دولت)
 $\Delta \ln(xf)_t$ تغییرات لگاریتم صادرات به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶ (نرخ رشد واقعی صادرات)

3-1-3- معادله نرخ رشد درآمدهای دولت به قیمت‌های ثابت

در اقتصادی مثل ایران که سهم بخش دولتی بالا است درآمدهای دولت به طور مستقیم و غیر مستقیم بر متغیرهای مهم اقتصاد ملی تاثیر می گذارد لذا بررسی عوامل تاثیرگذار بر آن از اهمیت خاصی برخوردار است. یکی از اجزاء درآمدهای دولت، مالیات است و یکی از مهمترین عواملی که بر آن تاثیر می گذارد نرخ رشد اقتصادی است. یکی از منابع اصلی درآمدهای دولت، درآمدهای حاصل از فروش نفت است لذا نرخ رشد قیمت نفت را می توان به عنوان یکی از متغیرهای اثر گذار در این معادله مورد بررسی قرار داد.

همان گونه که اشاره کردیم، صادرات حاصل از نفت بخش وسیعی از درآمدهای دولت را تشکیل می دهد لذا افزایش صادرات نفت موجب می شود تا تاثیر صادرات کل بر درآمدهای دولت مثبت باشد ولی رونق بخش نفت به علت بیماری هلندی ممکن است سبب رکود سایر بخشها شود و این مساله سبب کاهش صادرات غیر نفتی می شود و به علت رانت حاصل از نفت از سیاست تجارت آزاد که عامل رشد اقتصادی است استفاده نمی شود که این مساله سبب کاهش درآمدهای مالیاتی می شود. بنابراین:

$$\Delta \ln(grf)_t = (\Delta \ln(gdp)_t, \Delta \ln(oph)_t, \Delta \ln(xf)_t) \quad (3)$$

که:

$\Delta \ln(grf)_t$ تغییرات لگاریتم درآمدهای دولت به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶ (نرخ رشد واقعی درآمدهای دولت)
 $\Delta \ln(oph)$ تغییرات لگاریتم قیمت نفت (نرخ رشد قیمت نفت)
 $\Delta \ln(xf)_t$ تغییرات لگاریتم صادرات به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶ (نرخ رشد واقعی صادرات)

3-1-4- معادله نرخ رشد سرمایه گذاری به قیمت‌های ثابت

سرمایه در تمامی نظریات و الگوهای رشد اقتصادی به عنوان موتور محرکه رشد و توسعه اقتصادی در نظر گرفته شده است. سرمایه گذاری از دو جنبه می تواند بر بخشهای اقتصادی تاثیر بگذارد. از یک سو با افزایش سرمایه گذاری، تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی افزایش می یابد و از سوی دیگر سبب افزایش تقاضا می شود.

به کار بردن نرخ تورم در مدل سرمایه گذاری در حقیقت بدیلی از نرخ بهره یا پاداش بازار برای سرمایه و به عبارتی هزینه فرصت سرمایه گذاری است. از دیگر عوامل تاثیر گذار بر سرمایه گذاری در کشوری مثل ایران که دولت نقش گسترده ای در اقتصاد دارد، درآمدها و مخارج دولت است.

لذا می توان نوشت

$$\Delta \ln(i)_t = f(\Delta \ln(gdp)_t, \Delta \ln(cpi)_t, \Delta \ln(grf)_{t-2}, \Delta \ln(igf)_{t-2}) \quad (4)$$

که در این معادله:

$\Delta \ln(i)_t$ تغییرات لگاریتم سرمایه گذاری به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶ (نرخ رشد واقعی سرمایه گذاری)

$\Delta \ln(gdp)_t$ تغییرات لگاریتم تولید ناخالص داخلی به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶ (نرخ رشد واقعی اقتصاد)

$\Delta \ln(cpi)_t$ تغییرات لگاریتم شاخص قیمت مصرف کننده در دوره جاری (نرخ تورم در دوره جاری)

$\Delta \ln(grf)_{t-2}$ تغییرات لگاریتم درآمدهای دولت به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶ در دو دوره قبل (نرخ رشد واقعی درآمدهای دولت دو دوره قبل)

$\Delta \ln(igf)_{t-2}$ تغییرات لگاریتم مخارج عمرانی دولت به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶ در دو دوره قبل (نرخ رشد واقعی مخارج عمرانی دولت در دو دوره قبل)

3-2- سیستم معادلات همزمان

علاوه بر متغیرهای مستقل، آثار وقایعی نظیر انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و از طریق ورود متغیرهای مجازی مورد بررسی قرار می گیرند با توجه به اینکه این وقایع در سالهای مختلفی صورت گرفته به تبع آن متغیرهای مجازی متفاوتی برای این سالها تعریف می شود، به گونه ای که عدد یک برای سالهای مورد نظر بقیه سالها صفر می باشند:

d_1 شوک نفتی در سالهای (۱۳۵۳-۱۳۵۶)

d_2 انقلاب در سالهای (۱۳۵۷-۱۳۵۹)

d_3 جنگ با عراق در سالهای (۱۳۵۹-۱۳۶۷)

d_4 بحران درآمدهای نفتی در سالهای (۱۳۶۵-۱۳۶۷)

d_5 تعدیلات اقتصادی در سالهای (۱۳۷۲-۱۳۷۳)

d_6 یکسان سازی ارز (۱۳۸۱-۱۳۸۶)

d_7 جهش قیمت های نفت در سالهای (۱۳۸۵-۱۳۸۶)

پس از بررسی و انجام مراحل مربوط به تخمین تنها از سه متغیر مجازی d_2 انقلاب در سالهای (۱۳۵۷-۱۳۵۹)، d_4 بحران درآمدهای نفتی در سالهای (۱۳۶۵-۱۳۶۷) و d_5 تعدیلات اقتصادی در سالهای (۱۳۷۲-۱۳۷۳) در هر چهار معادله استفاده شده است، شد بنابراین چهار معادله فرم نهایی مدل را تشکیل می دهند که عبارتند از:

$$\Delta \ln(cpi)_t = \alpha_0 + \alpha_1 \Delta \ln(gdp)_t + \alpha_2 \Delta \ln(oph)_t + \alpha_3 \Delta \ln(m_2) + \alpha_4 \Delta \ln(cpi)_{t-1} + \alpha_5 d_2 \quad (5)$$

$$\Delta \ln(gdp)_t = \beta_0 + \beta_1 \Delta \ln(cpi)_t + \beta_2 \Delta \ln(cgf)_t + \beta_3 \Delta \ln(igf) + \beta_4 \Delta \ln(i)_t + \beta_5 \Delta \ln(yof)_t + \beta_6 \Delta \ln(xf)_t + \beta_7 d_4 \quad (6)$$

$$\Delta \ln(grf)_t = \lambda_0 + \lambda_1 \Delta \ln(gdp)_t + \lambda_2 \Delta \ln(oph)_t + \lambda_3 \Delta \ln(xf)_t + \lambda_4 d_2 + \lambda_5 d_5 \quad (7)$$

$$\Delta \ln(i)_t = \omega_0 + \omega_1 \Delta \ln(gdp)_t + \omega_2 \Delta \ln(cpi)_t + \omega_3 \Delta \ln(grf)_{t-2} + \omega_4 \Delta \ln(igf)_{t-2} + \omega_5 d_5 \quad (8)$$

4- آزمون پایایی

در این بخش کلیه متغیرهای مورد استفاده در معادلات مورد آزمون پایایی قرار می‌گیرند. به منظور بررسی خواص پایایی داده‌ها از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته توسط نرم افزار *Eviews* استفاده گردیده که نتایج حاصله در جدول (1) آورده شده است. همان گونه که مشاهده می‌شود آماره *ADF* کلیه متغیرها به صورت قدر مطلق بزرگتر از مقادیر بحرانی می‌باشد و بر اساس این آزمون کلیه متغیرهای مورد استفاده در الگو، انباشته از مرتبه صفر بوده یا $I(0)$ هستند.

جدول (1) نتایج آزمون مانایی دیکی-فولر تعمیم یافته

متغیر	آماره <i>ADF</i>	مقادیر بحرانی مک کینون			تصمیم گیری
		%1	%5	%10	
$\Delta \ln(gdp)_t$	-3.81	-3.57	-2.92	-2.60	مانا
$\Delta \ln(cpi)_t$	-2.58	-3.57	-2.92	-2.60	مانا
$\Delta \ln(cgf)_t$	-4.22	-3.57	-2.92	-2.60	مانا
$\Delta \ln(grf)_t$	-5.50	-3.57	-2.92	-2.60	مانا
$\Delta \ln(i)_t$	-4.53	-3.57	-2.92	-2.60	مانا
$\Delta \ln(m_2)_t$	-3.02	-3.57	-2.92	-2.60	مانا
$\Delta \ln(igf)_t$	-5.80	-3.57	-2.92	-2.60	مانا
$\Delta \ln(oph)_t$	-6.65	-3.57	-2.92	-2.60	مانا
$\Delta \ln(yof)_t$	-6.27	-3.57	-2.92	-2.60	مانا
$\Delta \ln(xf)_t$	-4.93	-3.57	-2.92	-2.60	مانا
$\Delta \ln(cpi)_{t-1}$	-2.68	-3.57	-2.92	-2.60	مانا
$\Delta \ln(grf)_{t-2}$	-2.70	-3.57	-2.92	-2.60	مانا
$\Delta \ln(igf)_{t-2}$	-2.61	-3.57	-2.92	-2.60	مانا

5-1- معادله نرخ رشد سرمایه گذاری

نرخ رشد اقتصادی دارای تاثیر مثبت و معنا داری بر نرخ رشد سرمایه گذاری است. هنگامی که اقتصاد در شرایط رونق است، نرخ رشد اقتصادی مثبت است درآمد افزایش پیدا می‌کند و قدرت خرید مردم زیاد می‌شود در نتیجه تقاضا افزایش می‌یابد، در این راستا تولید کنندگان تشویق می‌شوند تا برای کالای که مردم به دنبال آن هستند سرمایه گذاری جدیدی انجام دهند. در حقیقت این نتیجه تاییدی بر اصل شتاب¹⁵ است. چون این رابطه بیان می‌دارد که افزایش در نرخ رشد محصول سبب افزایش در سطح سرمایه گذاری می‌شود این نظریه یکی از قدیمی ترین نظریات سرمایه گذاری است.

نرخ رشد درآمدهای دولت با دو وقفه دارای تاثیر مثبت و معناداری بر نرخ رشد سرمایه گذاری است. افزایش درآمدهای دولت سبب می‌شود تا قدرت خرید دولت و به دنبال آن تقاضای کل افزایش یابد و برای پاسخ به این افزایش تقاضا سرمایه گذاری نیز مایل است افزایش یابد اما از آنجا که این سرمایه گذاری نیازمند افزایش ظرفیت و احداث ماشین آلات و ساختمان جدید می‌باشد مدت دو سال طول می‌کشد تا سرمایه گذاری به افزایش درآمدهای دولت پاسخ دهد و از سویی با بالا رفتن درآمدهای دولت منابع لازم و تسهیلات مالی بیشتری در اختیار بخشهای اقتصادی جهت سرمایه گذاری قرار می‌گیرد.

نرخ رشد مخارج عمرانی دولت نیز با دو وقفه دارای تاثیر منفی و معناداری بر سرمایه گذاری است. در یک اقتصاد با ویژگی منابع محدود، هرگاه دولت عوامل تولید را به خود اختصاص دهد عملاً سبب محرومیت بخش خصوصی از دسترسی به عوامل تولید می‌شود.

¹⁵ - Accelerator Principle

شود. که این پدیده اثر جایگزینی^{۱۶} نامیده می شود. به طور متوسط دو سال طول می کشد تا افزایش نرخ رشد مخارج عمرانی دولت به قیمت‌های ثابت موجب کاهش ظرفیت ساختمانها و ماشین آلات و در نهایت کاهش نرخ رشد سرمایه گذاری گردد. تعدیلات اقتصادی در سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ به عنوان متغیر مجازی در این معادله وارد شده است و دارای اثر منفی و معنا داری بر نرخ رشد سرمایه گذاری به قیمت‌های ثابت می باشد. از اهداف سیاست های تعدیل اقتصادی کاهش ارزش پول ملی بود و این مساله سبب افزایش نرخ ارز شد از آن جا که تامین قسمت زیادی از مواد اولیه، کالاهای واسطه ای و سرمایه ای از طریق واردات بود این مساله منجر به تورم ناشی از فشار هزینه گردید و این افزایش قیمت‌ها در نهاده های بنگاهها انگیزه سرمایه گذاری و کسب سود را کاهش داد و در مقابل تقاضای سوداگری در بازار ارز بالا گرفت و سبب انتقال منابع به آن سمت گردید. از سوی دیگر افزایش نرخ ارز بر ورود سرمایه خارجی اثر منفی دارد لذا سقوط ارزش پول ملی و خروج سرمایه موجب تقویت همدیگر شدند. نرخ تورم دارای تاثیر معناداری بر نرخ رشد سرمایه گذاری واقعی نمی باشد.

5-2- معادله نرخ رشد درآمدهای دولت

در این معادله نرخ رشد حقیقی اقتصاد دارای تاثیر مثبت و معناداری بر نرخ رشد درآمدهای دولت به قیمت های ثابت است. یکی از اجزا درآمدهای دولت مالیات ها است و هنگامی که اقتصاد در شرایط رونق است و نرخ رشد حقیقی اقتصاد مثبت است سبب می شود مالیات ها که قسمتی از آن به صورت مالیات های تناسبی یعنی تابعی از تولید ناخالص داخلی است افزایش یابد قیمت نفت دارای تاثیر مثبت و معناداری بر درآمدهای دولت است. از آنجا که یکی از منابع عمده درآمدی دولت منابع نفتی است افزایش نرخ رشد قیمت نفت سبب افزایش دریافتی های دولت حاصل از فروش نفت می شود و این امر سبب افزایش درآمدهای دولت می شود. نتیجه گیری ضمنی دیگری که با توجه به این معادله می توان به آن اشاره کرد کم کشش بودن فرآورده های نفتی است چون با افزایش قیمت نفت درآمدهای دولت نیز افزایش پیدا کرده است. برآورد معادلات نشان داد که متغیر مجازی انقلاب دارای تاثیر منفی و تعدیلات اقتصادی در سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ دارای تاثیر مثبت بر نرخ رشد درآمدهای دولت است.

5-3- معادله نرخ رشد حقیقی اقتصادی

همان گونه که تئوری های اقتصادی بیان می کنند نرخ رشد واقعی سرمایه گذاری دارای تاثیر مثبت و معناداری بر رشد حقیقی اقتصاد است.

نرخ رشد مخارج جاری به قیمت های ثابت دارای تاثیر مثبت و معناداری بر نرخ رشد حقیقی اقتصاد است. قسمتی عمده ای از مخارج جاری دولت صرف تأمین امنیت، آموزشهای عمومی، بهداشت، تضمین حقوق مالکیت و ... می شود که فضای مناسبی را فراهم می آورد تا سرمایه فیزیکی و نیروی انسانی بتوانند بر تولید ناخالص داخلی تاثیر مثبت بگذارند. مخارجی مانند آموزش و پژوهش، هزینه های آموزش عمومی و فنی حرفه ای دارای ماهیت سرمایه ای هستند که سبب افزایش بهره وری در سرمایه گذاری می گردد و با توجه به تاثیر سرمایه گذاری بر رشد اقتصادی می تواند نقش موثری در تسریع رشد اقتصادی داشته باشد. از سوی دیگر قسمتی از مخارج جاری مربوط به پرداخت های انتقالی است و با افزایش پرداخت های انتقالی درآمد واقعی مردم افزایش می یابد که سبب تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی می شود.

نتایج این معادله حاکی از آن است که نرخ رشد مخارج عمرانی به قیمت‌های ثابت بر نرخ رشد حقیقی اقتصاد تاثیر گذار نیست. عدم کارایی دولت در سرمایه‌گذاری عمرانی همراه با پدیده جانشینی جبری در سرمایه گذاری بخش خصوصی سبب شده تا تاثیر مثبت مخارج عمرانی بر رشد اقتصادی خنثی گردد.

¹⁶ - Crowding out Effect

نرخ رشد درآمدهای نفتی به قیمت‌های ثابت بر نرخ رشد حقیقی اقتصادی دارای تاثیر نبوده است. نرخ رشد صادرات به قیمت‌های ثابت بر نرخ رشد حقیقی اقتصادی معنادار و مثبت بوده است. نکته ای که حائز اهمیت این است که تاثیر نرخ رشد مثبت صادرات بر رشد واقعی به علت نرخ رشد صادرات غیر نفتی بوده چون همان طور که قبلا ذکر کردیم درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی بی تاثیر بوده است بنابر این اگر صادرات را به دو بخش صادرات نفتی و غیر نفتی تقسیم بندی کنیم می توان به این نتیجه دست یافت که تاثیر مثبت نرخ رشد صادرات واقعی بر نرخ رشد اقتصادی به علت صادرات غیر نفتی است. همان گونه که شرح دادیم افزایش نرخ رشد سرمایه گذاری و صادرات سبب انتقال منحنی تقاضای کل به سمت راست و افزایش تورم خواهد شد از سوی دیگر افزایش تولید سبب کاهش تورم می شود بنابراین برآیند این دو فرایند در حالت کلی نا مشخص است اما طبق یافته های این تحقیق نرخ تورم دارای تاثیر معناداری بر رشد حقیقی اقتصادی نبوده است به این معنا که دو فرایند در نهایت همدیگر را خنثی نمودند. متغیر مجازی که در این معادله وارد شده بحران نفتی سالهای (۱۳۶۷-۱۳۶۵) است که دارای تاثیر منفی و معناداری بر نرخ رشد حقیقی اقتصاد بوده است

5-4- معادله نرخ تورم

نرخ رشد اقتصادی دارای تاثیر منفی و معنا داری بر رشد اقتصادی است. هنگامی که ظرفیت های تولیدی جامعه افزایش می یابد سبب می شود که افزایش تقاضا با افزایش تولید پاسخ گفته شود و این به معنای کاهش تورم در شرایط رونق اقتصادی است. نرخ رشد قیمت نفت دارای تاثیر منفی بر نرخ تورم است اما این تاثیر معنادار نیست. متغیر دیگری که در این معادله وارد شده است نرخ رشد نقدینگی است که دارای ارتباط مثبت و معناداری بر نرخ تورم است. نتایج به دست آمده از این معادله منطبق با نظریه مقداری پول و نظریه پول گرایان در خصوص ارتباط مستقیم بین پول و تورم است. نرخ تورم دوره قبل هم دارای تاثیر مثبت و معناداری بر نرخ تورم دوره جاری می باشد. تورم دوره قبل به عنوان متغیر نشان دهنده تورم انتظاری در مدل وارد شده است. بنابراین افزایش نرخ تورم دوره قبل سبب خواهد شد افراد جامعه انتظار افزایش نرخ تورم در دوره جاری را داشته باشند. متغیر مجازی انقلاب دارای تاثیر معناداری بر نرخ تورم بوده است که این تاثیر به صورت منفی ظاهر شده است. هرچند در نگاه اول این مساله غیر عادی به نظر می رسد اما با مطالعه بیشتر در اوضاع اقتصادی آن زمان متوجه خواهیم شد که در طی این دوره شرایط سیاسی حاکم بر جامعه به واسطه وقوع انقلاب منجر به اعمال سیاست قیمت گذاری گسترده در کشور شد.

6- آزمون هم انباشتگی

بعد از تخمین مدل با استفاده از روش $2SLS$ به منظور پرهیز از پدیده رگرسیون جعلی برای تک تک معادلات رفتاری، آزمون هم انباشتگی انگل-گرنجر انجام می شود چنانچه جملات اختلال کلیه معادلات برآورد شده، انباشته از مرتبه صفر باشند دلالت بر عدم وجود رگرسیون جعلی داشته و می توان نتیجه گرفت که کلیه معادلات برآورد شده در بلندمدت باثبات هستند و در نتیجه رابطه تعادلی بلندمدتی بین متغیرهای وابسته و متغیرهای توضیحی آن -به گونه ای که در الگو مطرح شده است- برقرار است. نتایج نشان می دهد که همواره مقدار آماره دیکی-فولر تعمیم یافته از مقادیر بحرانی مک کینون به صورت قدرمطلق بزرگتر بوده، در نتیجه فرضیه صفر وجود ریشه واحد در جملات پسماند رد می شود؛ یعنی پسماندها مانا بوده و متغیرهای توابع ذکر شد نیز هم انباشته هستند. در جدول زیر نتایج آزمون هم انباشتگی متغیرهای معادلات رفتاری بیان شده است.

جدول (2) آزمون هم انباشتگی

متغیر	آماره	مقادیر بحرانی مک کینون			تصمیم گیری
		%1	%5	%10	
$\Delta \ln(gdp)_t$	-4.70	-3.57	-2.92	-2.60	مانا
$\Delta \ln(i)_t$	-8.01	-3.57	-2.92	-2.60	مانا
$\Delta \ln(grf)_t$	-6.75	-3.57	-2.92	-2.60	مانا
$\Delta \ln(cpi)_t$	-7.78	-3.57	-2.92	-2.60	مانا

7- نتیجه گیری و پیشنهادات

در این مقاله به بررسی تاثیر مخارج و درآمدهای دولت از منظر رشد واقعی اقتصاد پرداخته شد نتایج حاصل نشان داد که نرخ رشد واقعی مخارج جاری دارای تاثیر مثبت و معناداری بر رشد واقعی اقتصاد است و همچنین نرخ رشد واقعی اقتصادی بر نرخ رشد درآمدهای دولت دارای تاثیر مثبت و معناداری است در حالی که نرخ رشد واقعی مخارج عمرانی و نرخ رشد واقعی درآمدهای نفتی بر نرخ رشد اقتصادی بی تاثیر بوده است.

ارائه سیستمهای کاربردی جزء لاینفک هر تحقیق کاربردی می باشد. نکته مهمی که باید خاطرنشان کرد این است که پیشنهاداتی که در ادامه مطرح می شود تنها بر اساس نتایج معادلات برآورد شده است.

نتایج به دست آمده نشان می دهد که افزایش نرخ رشد مخارج عمرانی بر نرخ رشد واقعی اقتصاد دارای تاثیر نیست ولی با دو وقفه بر نرخ رشد سرمایه گذاری تاثیر منفی دارد بنابراین دولت می تواند با کاهش نرخ رشد مخارج عمرانی سبب افزایش نرخ رشد سرمایه گذاری شود و همان گونه که نتایج این مطالعه نشان داد نرخ رشد سرمایه گذاری واقعی دارای تاثیر مثبت و معناداری بر نرخ رشد واقعی اقتصادی است.

همان گونه که نتایج نشان دادند، صادرات غیر نفتی دارای تاثیر مثبتی بر نرخ رشد واقعی اقتصاد هستند، در این راستا توصیه می گردد که از ظرفیت های تولیدی ای تحت نوسان های کالاهای وارداتی سرمایه ای و واسطه ای حمایت شود، برای به دست آوردن بازارهای جدید اقدامات موثری صورت گیرد و همچنین بوروکراسی در زمینه صادرات غیر نفتی کاهش یابد.

دولت فعالیت های خود را در زمینه سرمایه انسانی گسترش دهد و نیز با حذف یارانه های همگانی و واقعی کردن بهای کالای یارانه ای به ویژه کالاهای اساسی و توزیع یارانه ها میان اقشار نیازمند در راستای هدفمند شدن یارانه ها می تواند نقش موثری را در راستای رشد اقتصادی ایفا کند.



همایش ملی افزایش درآمدهای نفتی و ایجاد فرصت های شغلی

بیست و پنجم مهرماه ۱۳۸۷ - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر

شرح	معادله نرخ رشد سرمایه گذاری		معادله نرخ رشد درآمدهای دولت		معادله نرخ رشد حقیقی اقتصاد		معادله نرخ تورم	
	coef	t	coef	t	coef	t	coef	t
$\Delta \ln(gdp)_t$	1.48	4.44	2.11	3.31			-0.65	-3.43
$\Delta \ln(cpi)_t$	0.21	0.73			-0.1	-1.49		
$\Delta \ln(grf)_{t-2}$	0.34	3.48						
$\Delta \ln(igf)_{t-2}$	-0.29	-3.30						
$\Delta \ln(xf)_t$			-0.04	-0.28	0.16	7.09		
$\Delta \ln(oph)_t$			0.51	5.48			-0.03	-0.89
$\Delta \ln(cgf)_t$					0.09	2.25		
$\Delta \ln(igf)_t$					-0.02	-0.81		
$\Delta \ln(i)_t$					0.17	3.54		
$\Delta \ln(yof)_t$					-0.002	-0.12		
$\Delta \ln(m_2)_t$							0.4	3.36
$\Delta \ln(cpi)_{t-1}$							0.48	4.62
d_2			-0.17	-1.37			-0.11	-2.44
d_4					-0.06	-2.98		
d_5	-0.17	-2.07	0.39	3.51				
C	-0.04	-0.81	-0.08	-2.18	0.04	4.03	0.02	0.77
R^2	0.64		0.73		0.88		0.68	

جدول (3) نتایج برآورد معادلات همزمان به روش حداقل مربعات دومرحله ای

منابع

- اقبال، ع. ح. خلاقی و ر. گسگری. (۱۳۸۶)، "مخارج دولت و رشد اقتصادی در ایران"، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۱، صص ۲۰۶-۲۲۹.
- برانسون، ویلیام. اچ. (۱۳۷۸)، *تنوری و سیاستهای اقتصاد کلان*، ترجمه شاکری، ع.، نشر نی، چاپ چهارم، تهران.
- پروین، س. و م. قلی بگلو. (۱۳۸۱)، "بررسی تاثیر تامین مالی مخارج دولت بر متغیرهای کلان اقتصادی در ایران"، مجله برنامه و بودجه، شماره های ۷۱ و ۷۲، صص ۳-۴۲.
- پیرائی، خ. و ع. پورفرج. (۱۳۸۳)، "اثر تغییر ساختار تامین مالی بودجه بر رشد اقتصادی در ایران"، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۵، صص ۲۱۲-۱۸۵.
- جعفری صمیمی، ا. (۱۳۶۹)، "منابع عمومی درآمدهای دولت و رشد اقتصادی در ایران؛ یک تحلیل تجربی طی سالهای (۱۳۶۷-۱۳۵۲)"، مجله اقتصاد و مدیریت، ش ۷، صص ۱۰۳-۸۸.
- زمان زاده، ا. (۱۳۸۵)، "بررسی تاثیر مخارج دولت و مالیاتها بر روی رشد اقتصادی ایران"، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی.



- زواشکیانی، م. (۱۳۷۴)، "ارتباط بین رشد اقتصادی و بخش عمومی در ایران (۱۳۷۱-۱۳۵۰): یک تحلیل تجربی و نظری"، پایان نامه ارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم اجتماعی و انسانی.
- ستاری فر، ر. (۱۳۸۳)، "اثر هزینه های دولتی و مالیاتها بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده اقتصاد.
- سامتی، م. (۱۳۷۲)، "اندازه مطلوب فعالیتهای دولت در ایران"، پایان نامه دکترا، دانشگاه تربیت مدرس.
- سرپوش، س. (۱۳۸۴)، "بررسی تاثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه"، پایان نامه کارشناسی ارشد، توسعه برنامه ریزی اقتصادی، دانشگاه الزهراء
- سلمانی، ب. و ک. یآوری. (۱۳۸۴)، "رشد اقتصادی در کشورهای دارای منابع طبیعی: مورد کشورهای صادرکننده نفت"، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۷، صص ۲۴-۱.
- شفیعی، ا.، ش. برومند و ا. تشکینی. (۱۳۸۵)، "آزمون تاثیرگذاری سیاست مالی بر رشد اقتصادی"، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۲۳، صص ۱۱۲-۸۱.
- شیرازی، م. (۱۳۸۵)، "بررسی تاثیر مخارج دولتی و منابع تامین مالی آن بر تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی"، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه شیراز، بخش اقتصاد.
- عمید، ا. (۱۳۷۶)، "بررسی اثر سیاستهای مالی بر رشد اقتصادی"، پایان نامه کارشناسی ارشد مهندسی سیستم های اقتصادی و اجتماعی، موسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه.
- گجراتی، د. (۱۳۸۳)، *مبانی اقتصادسنجی*، ترجمه، ابریشمی، ح.، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، جلد دوم، تهران.
- منظور، م. (۱۳۷۹)، "تاثیر سیاستهای مالی دولت بر رشد اقتصادی"، پایان نامه دکترا، تهران.
- نوفرستی، م. (۱۳۷۸)، *ریشه واحد و همجمعی در اقتصاد سنجی*، موسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران.
- وزارت امور اقتصادی و دارایی. (۱۳۷۳)، *توسعه صادرات غیر نفتی*، چاپ اول، تهران.
- وزارت امور اقتصادی و دارایی. (۱۳۷۴)، *ربع قرن نشیب و فراز: بررسی تحولات اقتصادی کشور طی سالهای ۱۳۸۲-۱۳۵۸*، انتشارات پایگان، تهران.

- Bairam, E. (1990), "Government Size and Economic Growth: The African Experience, 1960-1985", Applied Economics, 22, 1427-1435.
- Easterly, W. and S. Rebelo (1993), "Marginal income tax rates and economic growth in developing countries", European Economic Review, 37, 409-417.
- Engen, E.M. and J. Skinner (1992), "Fiscal and Economic Growth", NBER Working Paper, No.4223, Cambridge, MA.
- Fisher, S. (1993), "Macroeconomic Factors in Growth", Journal of Monetary Economics, This Issue.
- Ford, R. and Poret, P. (1991). "Infrastructure and private-sector productivity", OECD Economics Department Working Paper 91, Paris, 63-89.
- Ghali, K. H. (2003), "Government Spending, Budget Financing and Economic Growth: The Tunisian Experience", Journal of Developing Areas, 36, 2, 19-37.
- Grossman, P. (1988), "Government and Economic Growth: The Australian Experience", Australian Economic Paper, 27, 33-43.



- Karras, G. (1996), **“The Optimal Government Size: Further International Evidence on the Productivity of Government Services”**, *Economic Inquiry*, 34(2), 193-203.
- Khamfula, Y. (2004), **“Macroeconomic Policies, Shocks and Economic Growth in South Africa”**, Department of Economics, University of the Witwatersrand, Mimeo.
- Kneller, R. , M. Bleaney and Gemmel (1998), **“Growth Public Policy and the Government Budget Constraint: Evidence from OECD Countries”** , *Discussion Papers in Economics*,98, 14.
- Kweka, J. P. and O. Morrissey (2000), **“Government Spending and Economic Growth: Empirical Evidence From Tanzania (1965-1996)”** , *Government and Growth in Tanzania*, <http://www.nottingham.ac.uk/economics/credit/research/papers/cp.006.pdf>
- Levine, R. and D. Renelt (1992), **“A Sentivity Analysis of Cross-Country Growth Regression”**, *American Economic Review* 82, 942-963.
- Marsden, K. (1983), **“Links Between Taxes and Economic Growth: Some Empirical Evidence”**, *World Bank Staff Working Paper*, 605, Washington, D.C.
- Milier, S. H. and F. S. Russek (1997), **“Fiscal Structures and Economic Growth at the State and Local Level”** , *Public Finance Review*, 25, 2,213-237.
- Skinner, J. (1987), **“Taxation and Output Growth: Evidence from African Countries”**, *NBER Working Paper*, No. 2335.

Archive of SID